عقلانیت ارتباطی در تعامل زوجین
(مورد مطالعه: زوجین متعارض استان گیلان)*

ناصر زادفلاح بیجارسری[۱]، علی یعقوبی چوبری[۲]، محمدرضا غلامی شکارسرایی[۳]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵)

چکیده

عقلانیت ارتباطی به‌مثابهٔ تخیل و سرمایهٔ عاطفی در پایداری خانواده‌ها نقش سازنده و حیاتی دارد. هدف مقاله بررسی عقلانیت ارتباطی در بین زوجین استان گیلان است. به لحاظ روش تحقیق، از رویکرد کیفی، نمونه‌گیری نظری، روش داده‌بنیاد و مصاحبه نیمه-ساخت‌یافته استفاده شده است. تعداد مصاحبه‌شوندگان ۴۵ نفر بوده که با حداکثر تنوع تا حصول اشباع نظری مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد مصاحبه‌شوندگان به دو نوع خانواده گفتگویی و تک‌صدایی در بین زوجین استان گیلان تقسیم می‌شوند. بنابراین در زوجینِ متعارض روابط تک‌صدایی یا به‌تعبیر مارتین بوبر «من- آن» حاکم است، اما در زوجینِ گفتگویی دارای رابطهٔ «من-تو» هستند. از مهم‌ترین شرایط علّیِ عقلانیت ارتباطی در بین مصاحبه‌شوندگان می‌توان به تفکر پدرسالاری، عدم انعطاف‌پذیری، عدم درک همدلانه، خودبزرگ‌بینی، عدم بلوغ عاطفی و روابط فرازناشویی اشاره کرد. شرایط مداخله‌گر یا فرایندهای اجتماعی در معنای هابرماسی، تضعیف زیست جهان مدرن است؛ که موجب سردی روابط زناشویی، فرسایش سرمایه اجتماعی، فروپاشی خانوادگی و غلبه روابط استراتژیک گردیده است. همچنین برمبنای تجربهٔ زیسته مصاحبه‌شوندگان، طبقات پایین جامعه که از سرمایه اجتماعی- اقتصادی کمتری برخوردارند دارای عقلانیت ارتباطی ضعیف‌تری هستند. براساس یافته-ها هستهٔ مرکزی مسأله عقلانیت ارتباطی در بین زوجین، وجود «عقلانیت ابزاری» و ضعف رابطهٔ «من- تو» است.

واژه‌های کلیدی: تخیل همدلانه، صمیمیت، عقلانیت ارتباطی، دیالوگ، مونولوگ.

---

* مقاله علمی- پژوهشی Doi: https://doi.org/10.22034/JSS.2024.2021844.1823

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه گیلان، ایران naser.zadfallah@yahoo.com

۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، ایران (نویسنده مسئول). A.yaghoobi@guilan.ac.ir

۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، ایران.mgholami2014@guilan.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

پیوندهای خانوادگی و بویژه زناشویی منبعث از ساختار و قلمرو اجتماعی است که تاکنون کانون توجه جامعه‌شناسان کلاسیک و مدرن بوده است. امیل دورکیم براین باور است که در جامعهٔ مکانیکی خانواده گسترده یا پدرسری و در جامعه ارگانیک خانوادهٔ زن و شوهری ایجاد می‌شود. به‌زعم وی زنان نقش عاطفی و مردان وظایف فکری را در پیش گرفته‌اند ولی در بین برخی طبقات زنان و مردان شبیه هم شده‌اند(دورکیم، 1960).

در بین جامعه‌شناسان مدرن، آنتونی گیدنز براین باور است خانواده به‌مثابهٔ ساختاری اجتماعی است که دارای پیچیدگی است؛ هم محدودکننده و هم فرصت‌آفرین است و در دورهٔ مدرن همچنان «رابطهٔ ناب» و صمیمانه حلقهٔ مفقوده خانواده مدرن است (گیدنز ،۱۹۹۲). خانواده هسته‌ای و زن و شوهری هر چند امکان بیشتری پیدا کرده است، اما با تناقضات جدیدی مواجه شده است. مناسبات اجتماعی و خانوادگی دارای سیّالیت و «ناپایداری پیوندهای انسانی» است که زیگمونت باومن از آن به جامعه و عشق سیال تعبیر می‌کند (باومن، ۲۰۰۵، ۲۰۰۳). خانوادهٔ مدرن واجد نظم جنسیتی جدید است و دارای شکل‌های نوینی از اِعمال قدرت است که در آن «قدرت» جای خود را به «اقتدار»، (سنت[1]، ۱۹۹۳) «مردانگی هژمونیک[2]» (کانل[3]،۱۹۸۷ و ۲۰۰۵)، و «خشونت نمادین» (بوردیو، ۲۰۰۱) داده است. هابرماس این فرایند را با غلبه کنش استراتژیک بر عقلانیت ارتباطی[4] تفسیر می‌کند. به‌زعم وی عقلانیت ارتباطیِ تحریف‌نشده و مبتنی بر اجماع در مقابل عقلانیت استراتژیک[5] و تحریف‌شده قرار دارد. تئوری عقلانیت ارتباطی در جهت حذف موانع ساختاری و عاملیتی برای تحقق گفتمان و ارتباط تحریف‌نشده است (استرانی[6]، ۲۰۱۰: ۱). هابرماس بین خانواده و «عقلانیت ارتباطی» پیوند نزدیکی مشاهده می‌کند. وی معتقد است در دورهٔ مدرن هرچند خانواده به‌صورت هسته‌ای بود ولی در بین اشراف همچنان روابط پیشابورژوایی وجود داشت وی اشرافیت تاجرپیشه قرن هفدهم بریتانیا که گرایش‌های بورژوایی پیدا کرده بود سبک زندگی خانواده گسترده را کنار نهاد. با رشد نظام سرمایه‌داری مرکانتیلیستی و تجاری و نیز تغییر در ماهیت حوزه عمومی و گذار به خانواده هسته‌ای، خانواده‌ها به واحدهای مصرف‌کننده

1 Sennett
2 Hegemonic masculinity
3 Connell
4 Communicative rationality
5 Strategic rationality
6 Strani

فرهنگی و عرصه هجوم نظام سیاسی بدل گشته و مستعمره‌شده زیست‌جهان در ارتباط با آن اتفاق می‌افتد(هابرماس، ۱۳۸۴: ۷۷-۸۸). پیش از این، مارتین بوبر از نظریه‌پردازان گفتگو[1] وجه ابزاری روابط زناشویی را «من-آن» و وجه عاطفی یا ابرازی روابط مزبور را «من-تو» تلقی کرده است (بوبر، الف ۱۳۹۸). بنابراین، در خانواده «من- آن» بجای گفتگو مناظره وجود دارد، گفتگو با مناظره، که در آن تأکید بر تجلیل و دفاع از خویشتن است متفاوت است (مقصودی و جباری، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۳۲)..علاوه بر بوبر، میخائیل باختین قایل به دو نوع روابط تحت‌عنوان مونولوگ و دیالوگ بین انسان‌هاست. مونولوگ جنبه غیراخلاقی، دستکاری و استثماری دارد؛ حال‌آنکه منطق گفتگو مبتنی بر تخیل مکالمه‌ای است که مستلزم چندصدایی، پذیرش و احترام به دیگری است. مونولوگ، اهمیت بیشتری برای باختین دارد، زیرا به صورت ابزار ستم از طریق رژیم های توتالیتر استفاده می شود(تودروف[2]، ۱۳۹۶ و کنت[3]، ۲۰۱۷).

تحقیقات صورت گرفته در ایران نشان می‌دهد که خانوادهٔ ایرانی در وضعیت ابهام‌انگیز و در میانهٔ «فروپاشی» و «مدنی‌شدن» به عنوان دو امکان قرار دارد. جامعه ایرانی همزمان با دو «خانوادهٔ گسسته» (فروپاشیده) و «خانواده‌های مدنی» روبه‌روست(قانعی‌راد، ۱۳۹۶). با گسترش فضاهای مجازی و رسانه‌ای‌شدن جامعه، تقلیل گفتگو در بین خانواده‌های ایرانی به کمتر از ۲۰ دقیقه در طول شبانه‌روز رسیده است. به لحاظ آماری نیز، خشونت و کاهش عقلانیت ارتباطی یکی از پنج مسألهٔ عمده در جامعه ایران و استان گیلان است. یافته‌های پژوهش درخصوص روابط زوجین نشان می‌دهد که میزان طلاق در سطح استان گیلان بالاتر از میانگین کشوری بوده و نسبت ازدواج به طلاق نیز در حدود ۳ به ۱ و در وضعیت پیچیده‌ای قرار دارد. سرعت رشد طلاق نیز در گیلان بیشتر از سطح کشور است؛ به‌طوری که در چند سال اخیر به بالاترین حد خود رسیده است(یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۴). همچنین، در این استان تعداد طلاق از **1703** فقره در سال ۱۳۸۰ به ۶۹۱۳ فقره در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد که در فاصله ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵، درصد تغییرات طلاق در استان گیلان با رشد ۳۰۵/۹ درصدی مواجه بوده است این تعداد در سال ۱۴۰۲ مجدداً افزایش یافت و به ۷۷۳۰ فقره رسید که ۱۱/۸ درصد نسبت به سال ۱۳۹۵ رشد داشته است[4]. براساس آمارهای بدست آمده از درگاه ثبت احوال فراوانی طلاق در استان

1 Dialogue
2 Todorov
3 Kent

۴ برای اطلاع بیشتر به درگاه آمارهای انسانی سازمان ثبت احوال کشور (www.ncr.ir) مراجعه شود.

گیلان، به‌ترتیب شهرهای رشت(۲۹۵۸)، رودسر(۶۳۹) و تالش(۵۹۵) دارای بیشترین فراوانی فقره طلاق و به‌ترتیب شهرهای سیاهکل(۱۱۴)، ماسال(۱۱۵) و املش(۱۲۹) کمترین فقره طلاق در استان گیلان بوده است. هدف تحقیق واکاوی عقلانیت ارتباطی (رابطهٔ گفتگویی) در بین زوجین مناطق شهری استان گیلان است. پرسش‌های پژوهش عبارتند از: سنخ های مختلف گفتگو در بین زوجین مناطق شهری استان گیلان چیست؟ شرایط علی مؤثر بر ضعف عقلانیت ارتباطی در بین زوجین شهری استان گیلان کدامند؟ شرایط مداخله‌ای و زمینه‌ای در فرایند عقلانیت ارتباطی در بین زوجین استان گیلان چگونه است؟ راهبردهای عقلانیت ارتباطی کدامند؟ پیامدهای عقلانیت ارتباطی در بین زوجین استان گیلان چیست؟

پیشینهٔ پژوهش

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهند که کمتر مناسبات زوجین از منظر عقلانیت ارتباطی مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در برخی تحقیقات به‌طور غیرمستقیم، در قالب مهارت‌های ارتباطی و ذیل محور گفتگو بدان پرداخته شده است. در بخش تحقیقیات داخلی، برمبنای نتایج تحقیق مهدوی و صبوری‌خسروشاهی(۱۳۸۲) ساختار قدرت در خانواده‌های جنوب شهر تهران غیردموکراتیک‌تر و در شمال شهر دموکراتیک‌تر بوده است و عللی از قبیل سطح تحصیلات، اشتغال زنان، مشارکت زن در انتخاب همسر باعث مجاب سازی و دموکراتیزه‌شدن خانواده می‌گردد. یافته‌های پژوهش انصاری و همکاران (۱۳۹۶) درمورد تاثیر مهارت‌های ارتباطی زنان بر خشونت خانوادگی از سوی همسران، بیانگر آن است که استفاده از مهارت‌های ارتباطی تنش و مشاجره بین زوجین را کاهش داده یا حداقل به زمان بهتر موکول می‌نماید. ملایی و همکاران(۱۳۹۷) در پژوهشی دریافتند که زبان در کاهش یا افزایش تعارض زناشویی نقش عمده‌ای دارد و کنترل‌نکردن آن، موجب درگیری-های فراوان و خشوت‌های کلامی بین زوجین می‌شود و سرانجام باعث جدایی عاطفی و در نهایت طلاق زوجین می‌شود. همچنین مهارت‌های کلامی، عمده‌ترین و مؤثرترین روش در برقراری و مدیریت ارتباطات است. یافته‌های پژوهش هاتفی‌راد و همکاران(۱۴۰۱) در میان زوجین یزدی، نشان می‌دهد که محدودیت‌های ساختاری، عاملیت‌محور و ارتباط تحریف‌شده باعث می‌شود گفتگو به تجربه‌ای غامض در میان خانواده‌ها تبدیل شود. مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری آن محدودیت ساختاری جامعه از قبیل نبود شناخت و آموزش صحیح، نحوهٔ تربیت خانواده‌ها، وجود تابوها و تعصبات، تفاوت‌های فرهنگی زوجین، استعمال مواد مخدر و روابط خارج از چارچوب است. مطالعه

نفیسه چرستانی(۱۴۰۰) حاکی از پنج عامل گفتگو در پایداری زندگی زوجین در خانواده‌های ایرانی از قبیل مهارت‌های ارتباطی، گفتگوی آگاهانه، برنامه‌ریزی برای گفتگو، گفتگوی پرمحتوا، خوش‌بینی نسبت به نتایج گفتگو مؤثر است. برمبنای تحقیق یعقوبی و همکاران (۱۴۰۰) در سطح استان گیلان در شرایط قرنطینگی خانواده‌های طبقه پایین از پیوند اجتماعی ضعیف‌تر و طبقات متوسط و بالا از پیوند اجتماعی قوی‌تری برخوردار بوده‌اند. هم‌چنین، کشاکش سوژه‌های قرنطینه بیشتر مثبت، محبت‌ورزانه و در جهت حفظ نظم ناشی از بلبشوی کرونا بوده است. همچنین یافته‌های تحقیق یعقوبی و سیف(۱۴۰۲) در شهر رشت نیز نشان می‌دهد که سه سنخ تحت‌عنوان خانواده‌های گفت‌وگومحور، مرزی و مجادله‌محور در خانواده‌های شهر رشت وجود دارند. همچنین خانواده‌هایی که دارای سرمایه فرهنگی و اجتماعی بیشتری بوده‌اند متقارن‌تر و گفت‌وگومحورترند.

در بخش پژوهش‌های خارجی، نتایج تحقیق کمّی کرنر[1] و فیتزپاتریک[2] (۱۹۹۷) نشان می‌دهد خانواده‌هایی که دارای جهت‌گیری گفتگویی بالایی هستند، دارای تعارضات کمتر و از همنوایی و سازگاری بالایی نیز برخوردارند. نتایج پژوهش مردیت[3] و همکاران(۱۹۹۴) نشان می‌دهد سازگاری، ارتباط و همبستگی سه شاخص مهم خانواده‌های سالم در بین خانواده‌های چینی و تایوانی محسوب می‌شود. تحقیق اوتوایت[4](۲۰۰۹) نشان می‌دهد گفتگو در چهار بعد خلاصه می‌شود ۱. گوش‌دادن ۲. احترام‌گذاشتن ۳. موقوف‌کردن ۴. سخن (صدا). نتیجه پژوهش اوتوایت، حاکی است اصول دیالوگ عنصر اصلی مشارکت و حمایت‌کننده آن محسوب و در ارتباط تأثیر تعیین کننده‌ای دارد؛ به‌طوری‌که گفتگو و فرهنگ مشارکت را می‌توان مکمل و تقویت‌کننده هم دانست. بررسی اولسون[5] و همکاران(۲۰۱۴) در زمینه گفتگو نشان می‌دهد که کنش گفتگو از یک دیالوگ باز نشأت می‌گیرد؛ به‌طوری‌که به افراد خانواده کمک می‌کند تا احساس شنیدن، احترام و اعتبار کنند. آنها بر هفت اصل دیالوگ از قبیل: کمک فردی، شبکه اجتماعی، تسامح و مدارا، پاسخگوبودن، انعطاف‌پذیری، گفتگویی‌بودن و عدم قطعیت تأکید می‌کنند. پژوهش رودریگرز[6] و همکاران(۲۰۲۰) نشان داد سازگاری زناشویی به مثابهٔ عقلانیت ارتباطی و رضایت از زندگی دارای رابطهٔ مثبت معنادار است.

1 Koerner
2 Fitzpatrick
3 Meredith
4 Outhwaite
5 Olson
6 Rodríguez

نتایج پژوهش اونال و اکگون[1] (۲۰۲۰) نشان داد سبک‌های مثبت حل مسئله همسران، رضایت از زندگی را از طریق سازگاری زناشویی پیش‌بینی می‌کند.

در بررسی و واکاوی تحقیقات داخلی و خارجی می‌توان استنتاج کرد که اغلب پژوهش‌های مزبور جنبهٔ کمّی و پوزیتیویستی داشته، همان‌طورکه اشاره شد بیشتر پژوهش‌های مزبور در ذیل مفاهیم «مهارت‌های زندگی» و «گفت‌وگو» به عرصه خانواده و زوجین پرداخته‌اند، اما این پژوهش با روش داده‌بنیاد و استقرایی و با صورت‌بندی جدیدی تحت‌عنوان عقلانیت ارتباطی، خانواده‌های گیلانی را بر مبنای تجربهٔ زیسته مصاحبه‌شوندگان آشکارسازی کرده است.

چارچوب مفهومی

هرچند به لحاظ علمی، در تحقیقات کیفی داشتن چارچوب نظری با توجه به ماهیت کار استقرایی لازم نیست، اما در ساخت چارچوب مفهومی پژوهش، الهام‌بخش محقق و کمک قابل ملاحظه‌ای به پژوهشگر می‌کند. گفت وگو نقطهٔ عزیمت بسیاری از فیلسوفان و متفکران علوم انسانی و اجتماعی بوده است. نظریه مارتین بوبر، حکایت از شناسایی دو نوع رابطه دارد. «من-آن» و «من-تو». رابطه «من– تو»، رابطه‌ای مستقیم، چندجانبه و مبتنی بر حضور و باز است (بوبر، ۱۳۹۸الف: ۵۲ و فریدمن، ۲۰۰۱: ۱۲). روابط «من – آن» هرگز با تمام وجود شخص ادا نمی‌شود؛ به‌طوری‌که روابط با اشخاص دیگر غیرمستقیم، غیرچندجانبه و ابزاری یا سوژه - ابژه است(فریدمن[2]، ۲۰۰۱). بوبر تأکید می‌ورزد، گریزی از رابطه «من-آن» نیست، چه بسا ضرورت دارد. آن بدین‌معنی نیست که این نوع رابطه کاملاً باید از بین برود، زیرا در آن صورت زندگی عادی غیرممکن می‌گردد(مهرگان، ۱۳۸۰: ۷۵). در رابطهٔ «من – تو» ارتباط عمیق، کامل و شناخت از راه آنچه بوبر گفتگو می‌نامد وجود دارد. ماهیت و کنه گفتگو این حقیقت است که هر یک از شرکت‌کنندگان در گفتگو واقعاً فرد یا افراد دیگری را در وجود بالفعل و خاص‌شدن در نظر دارند و به یک ارتباط زنده و دوطرفه بین خود و آنان روی به‌سوی دیگران می‌آورد. مراد بوبر از ارتباط «من- تو» ارتباط دو طرفه و زنده است که در نتیجه‌ی گفتگو حاصل می‌شود. شناخت ناشی از «من–تو» شناختی ناشی از مواجهه است(کوفمن[3]، ۱۳۸۸: ۱۴۳). وی تأکید می‌کند عدم توانایی برای داخل‌شدن در گفتگوی راستین نسبت به یکدیگر، منبعث از عدم اعتماد به یکدیگر است. به‌خاطر این عدم اعتماد

1 Unal, & Akgun
2 Friedman
3 Koffman

است که خداوند از چشمان ما پنهان می‌گردد و از آن به کسوف خداوند تعبیر می‌کند. بوبر تأکید می‌کند نباید اجازه دهیم این خصیصه ضد انسانی عدم اعتماد درونی، ما را از تبدیل‌شدن به یک انسان واقعی باز دارد(بوبر، ۱۳۹۸ ب: ۸-۹). بیماری عصر ما به هیچ عصر دیگری شباهت ندارد. این بیماری مزید بر بیماری‌های دیگر است.

باختین از زاویه دیگری به این امر می پردازد. باختین نظریه‌پرداز روسی قرن بیستم، از ترمینولوژی بوبر استفاده می‌کند. او به‌طور اساسی، از بوبر تاثیر پذیرفته است؛ به‌طوری‌که رابطه بوبر و باختین یک رابطه عمیق و قابل تامل است. باختین در همه ادبیات خود، بوبر را به رسمیت شناخته است(فریدمن، ۲۰۰۱). از جمله وجه اشتراک بوبر و باختین این است که معتقدند شناخت درست از دیگری مورد نیاز است. از نظر دو نظریه پرداز، دیالوگ صرفاً به معنی گوش‌دادن یا اشتراک در ایده‌ها نیست ؛ بلکه به معنای داخل‌شدن روابط با دیگران است که موجب شکل‌گیری هویت خود می‌شود. بوبر و باختین بر وجود دیگری به عنوان شرط اولیه برای گفتگو تاکید کرده‌اند(مک میلان[1]، ۱۹۹۹). از نظر باختین، دیالوگ بخشی از فرایند درک ما و جهان پیرامون ماست. گفتگو اساس مشکل کلام، اندیشه، بینش و روابط ما با دیگری است (روبرتس[2]، ۲۰۱۲).

هابرماس نیز گفتگو و عقلانیت ارتباطی را هسته اساسی تحلیل خود قرار داده است. او به جنبه اجتماعی عقلانیت، توجه دارد. عقلانیت ارتباطی که از طریق هابرماس تعریف شده است، تعامل اجتماعی و مبادله ایده‌های آزاد را تشویق می‌کند(اسپراکلن[3]، ۲۰۱۲: ۹). وی تأکید می‌کند که عقلانیت می‌بایست دیالوگی یا ارتباطی باشد؛ به‌طوری‌که این عقلانیت از طریق مشارکت در بحث‌های بیشتر و استدلال‌های معکوس معنا پیدا می‌کند. این عقلانیت جهت‌گیری به‌سوی درک چندجانبه و تفاهم دارد. هابرماس ضمن دفاع از عقلانیت ارتباطی، معتقد است که بر آن نه زور؛ بلکه استدلال برتر حاکم است(مابوولا[4]، ۲۰۱۰ : ۱۲). باتوجه به‌مطالب بالا هدف استفاده از چارچوب مفهومی، حساسیت نظری[5] است، زیرا دانش مفهومی و نظری می‌تواند حساسیت پژوهشگر به داده‌ها را افزایش دهد(اشتراوس و کوربین[6]، ۱۳۹۴). از این‌رو، رویکردهای نظری یورگن هابرماس

1 Macmillan
2 Roberts
3 Spracklen
4 Mabovula
5 Theoritical sensivity
6 Strauss & Corbin

و مارتین بوبر به شکل پسینی جهت حساسیت نظری و تفسیر داده‌ها متناسب با رویکرد کیفیِ داده‌بنیاد استفاده می‌شود و الهام‌بخش تحقیق خواهد بود.

روش پژوهش

در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش داده‌بنیاد[1] استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه شامل زوجینِ متعارض در خانواده‌های شهری استان گیلان خواهد بود. همچنین بااستفاده از نمونه-گیری تدریجی که مبتنی بر نمونه‌گیری نظری[2] و استراتژی نمونه‌گیری گلوله‌برفی[3] پیش رفت. همچنین فرایند نمونه‌گیری، تا حصول اشباع نظری صورت گرفت و نهایتا ۴۵ نفر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در انتخاب نمونه‌ها، ویژگی‌های گوناگونی از قبیل سن، جنس، تحصیلات، محل سکونت و شغل و درآمد با حداکثر تنوع در نظر گرفته شده است. از هر خانواده یک نفر از زوجین از طریق روش مصاحبه نیمه- ساخت‌یافته مورد مصاحبه قرار گرفتند. شرط انتخاب مصاحبه‌شوندگان نیز براساس گیلانی و شهری‌بودن، سپری‌شدن دو سال از زمان ازدواج و داشتن تعارض و مراجعه به مراکز مشاوره در نظر گرفته شد. به لحاظ شفاهی قبل از انجام مصاحبه، از مشارکت‌کنندگان پرسش به‌عمل آمد تا وجود تعارض به‌عنوان شرط انتخاب محرز شود. در انتخاب مصاحبه‌شوندگان برای جلب رضایت، اعتماد و تأکید بر محرمانه‌بودن اطلاعات انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات در حدود سه ماه و هر مصاحبه ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. در فرایند جمع‌آوری اطلاعات و انجام مصاحبه برخی سوالات از سوژه‌های پژوهش عبارت بودند از: شکل و کیفیت گفتگوی زوجین، دلایل ضعف رابطه خوب و گفتگوی دوستانه، پیامدها و عواقب عدم گفتگوی دوستانه در بین زوجین، ارایه پیشنهادهای راهبردی برای رفع مشکلات زوجین و...

در تحلیل مصاحبه‌ها، از روش تحلیل داده‌بنیاد(کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی) استفاده شده است(استراوس، ۱۳۹۴). در ابتدا کدگذاری باز انجام شد و مفاهیم اولیه بدست آمد. بعد کدگذاری محوری(خرده‌مقوله‌ها) صورت گرفت که در آن طبقات مختلف مستخرج از مفاهیم به-عنوان کدگذاری محوری انتخاب شد. آنگاه کدگذاری گزینشی(مقوله‌های اصلی) باتوجه به کدگذاری باز و محوری صورت گرفت.

1 Grounded Theory
2 Theoretical sampling
3 Snowball sampling

درخصوص اعتبارپذیری، از تماس‌های طولانی با محیط پژوهش، استفاده از نظریات و پژوهش‌های مختلف، کنترل داده‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان و به‌کارگیری مصاحبه‌کنندگان متعدد در گردآوری اطلاعات استفاده شده است. درخصوص قابلیت اطمینان(پایایی) نیز اقداماتی از قبیل یادداشت‌برداری، دقت در پیاده‌کردن مصاحبه‌های ضبط‌شده، تدوین راهنمای مصاحبه و تهیه فهرست مصاحبه‌شوندگان، استفاده از کمیته تخصصی در ساخت مقولات و آموزش دقیق مصاحبه‌گران انجام گرفته است.

جدول ۱. وضعیت جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام[1]	جنس	شغل	مدت ازدواج به سال	سطح تحصیلات	محل سکونت
۱	زینب	زن	کارمند	۶	لیسانس	رشت
۲	اطلس	مرد	آزاد	۵	لیسانس	رشت
۳	فاطمه	زن	خانه دار	۲۰	لیسانس	رشت
۴	فرشته	زن	خانه دار	۱۰	لیسانس	رشت
۵	مریم	زن	خانه دار	۲۳	لیسانس	رشت
۶	ناهید	زن	خانه دار	۷	لیسانس	رشت
۷	ندا	زن	خانه دار	۸	فوق دیپلم	رشت
۸	ادینا	زن	خانه دار	۱۳	فوق لیسانس	رشت
۹	المیرا	زن	خانه دار	۱۰	لیسانس	رشت
۱۰	بهناز	زن	خانه دار	۱۵	دیپلم	رشت
۱۱	مهدی	مرد	آزاد	۷	دیپلم	رشت
۱۲	نسترن	زن	آزاد	۶	دیپلم	رشت
۱۳	مجید	مرد	کارمند	۱۰	دیپلم	رشت
۱۴	حدیث	زن	آزاد	۱۵	لیسانس	رشت
۱۵	اکبر	مرد	آزاد	۱۳	لیسانس	رشت
۱۵	راحله	زن	خانه دار	۱۵	لیسانس	رشت
۱۶	سحر	زن	آزاد	۷	دیپلم	رشت
۱۷	علی	مرد	آزاد	۶	لیسانس	رشت
۱۸	حمیده	زن	کارمند	۶	لیسانس	رشت
۱۹	زینب	زن	آزاد	۱۰	لیسانس	رشت
۲۰	تقی	مرد	نقاش	۹	دیپلم	رشت

۱ برای حفظ حریم خصوصی مصاحبه شوندگان، از اسامی مستعار استفاده شده است.

ردیف	نام[1]	جنس	شغل	مدت ازدواج به سال	سطح تحصیلات	محل سکونت
۲۱	کبری	زن	خانه دار	۲۰	لیسانس	رشت
۲۲	زیبا	زن	خانه دار	۳۰	لیسانس	خمام
۲۳	رضوانه	زن	خانه دار	۱۲	دیپلم	لاهیجان
۲۴	بنفشه	زن	خانه دار	۶	دیپلم	لاهیجان
۲۵	زهرا	زن	خانه دار	۵	دیپلم	لاهیجان
۲۶	مرضیه	زن	آزاد	۷	دیپلم	لاهیجان
۲۷	ابراهیم	مرد	آزاد	۱۲	لیسانس	رودسر
۲۸	اکرم	زن	خانه دار	۱۰	فوق دیپلم	لنگرود
۲۹	سعیده	زن	خانه دار	۹	لیسانس	رودسر
۳۰	نجوا	زن	ویزیتور	۷	لیسانس	لاهیجان
۳۱	رقیه	زن	خانه دار	۳۰	دیپلم	لنگرود
۳۲	سحر	زن	خانه دار	۶	دیپلم	لاهیجان
۳۳	مرتضی	مرد	آزاد	۸	سیکل	آستانه اشرفیه
۳۴	آتنا	زن	خانه دار	۶	فوق دیپلم	لاهیجان
۳۵	محمد	مرد	آزاد	۱۲	دیپلم	رودسر
۳۶	سمانه	زن	خانه دار	۱۰	لیسانس	ماسال
۳۷	کبری	زن	خانه دار	۷	دیپلم	ماسال
۳۸	اکرم	زن	خانه دار	۸	دیپلم	ماسال
۳۹	زینب	زن	خانه دار	۱۰	کارشناس	ماسال
۴۰	عسل	زن	خانه دار	۷	دیپلم	رضوانشهر
۴۱	محمد	مرد	آزاد	۱۲	ابتدایی	صومعه سرا
۴۲	شبنم	زن	آزاد	۶	دیپلم	ماسال
۴۳	انیسه	زن	آزاد	۱۱	دیپلم	ماسال
۴۴	شهلا	زن	خانه دار	۷	دیپلم	شاندرمن

یافته‌های پژوهش

داده‌های تحقیق درباره سنخ های گفتگوی زوجین، شرایط علّی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها در مجموع ۱۴۰ گزاره، ۱۰۵ مفهوم، ۴۹ خرده‌مقوله و ۲۰ مقوله اصلی را شامل می‌شوند.

۱. سنخ‌های گفت وگو

نتیجه بدست آمده در مورد شکل گفتگو که با در نظرگرفتن چهار معیار یعنی صداقت، برابری، احترام متقابل و ابراز احساسات، صورت گرفته است، حکایت از دو نوع خانواده دیالوگی و مونولوگی[۱] در سطح استان دارد. از آنجا که مشارکت‌کنندگان، زوجین متعارض بودند و برمبنای تجربهٔ زیسته آنان بیشتر عبارات منفی و مونولوگ‌محور بر روابط زوجین استفاده شده است. داده‌های تحقیق درباره سنخ های گفتگوی زوجین استان گیلان دارای ۳۲ گزاره، ۱۵ مفهوم، ۵ خرده‌مقوله ۲ مقوله اصلی است.

برمبنای داده‌های جدول ۲، هفده عبارت شامل تخیل مونولوگ و دوازده گزاره مربوط به تخیل دیالوگ اختصاص یافته است. ابتدا برخی زوجین بیشتر رابطه دیالوژیک و متقارن داشته‌اند، ولی بعدها این مناسبات زناشویی نامتقارن، جدلی و قطبی تبدیل شده است.

در رابطهٔ مونولوگی، فاطمه ۲۸ساله روابط زوجین را با استعارهٔ منفی کارد و پنیر چنین توصیف می‌کند:

"روابط ما مثل کارد و پنیر بود. چون اختلاف نظر بین‌مون زیاد و در بحث‌ها به‌جای توضیح‌دادن و حل‌کردن مشکل، پرخاشگری و از کوره دررفتن اتفاق می‌افتاد، همیشه گفت‌وگوها توام با خشونت بود؛ به‌طوری‌که سر هر مسئله کوچکی به اختلاف برمی‌خوردیم."

در دیالوژیگ زوجین برخلاف روابط مونولوگی دارای تخیل همدلانه حکمفرماست، پرخاشگرانه و تک‌صدایی نیست، بلکه چندصدا و گفتگومحور است. برخی زوجین ابتدا در زندگی زناشویی تنش را پشت‌سر گذاشته‌اند؛ ولی اکنون در وضعیت پایدارتری بسر می‌برند. فرشته ۳۴ ساله می گوید:

"شوهرم کمتر از جون به من نمیگه خیلی با مهربانی رفتار می‌کنه باهام."

---

۱. منظور از تخیل اعم از دیالوگ و مونولوگ تصویری که افراد از امور و واقعیت جهان اجتماعی دارند و نحوه بیان و اجرای کنش‌های انسانی است که به زعم جان سرل خصلت«کنش-گفتاری» و متکی بر تجربهٔ انسانی دارد و در مرز بین واقعیت و فراواقعیت در گردش است(ژنت، ۱۳۹۲).

جدول ۲ . سنخ های گفتگو در بین زوجین استان گیلان

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	صداقت وجود داشت	صداقت	روابط غیررسمی	تخیل دیالوگی
۲	لباس برای هم هستیم			
۳	مثل دونیمه سیب به خاطر اینکه بیشتر بر اعصاب خود کنترل دارند	صمیمیت		
۴	مثل دریای آرام به علت اینکه فاصله سنی کمتر می‌گردد			
۵	مثل شمع وپروانه چون این رابطه موجب کمال رساندن آنها می‌شود			
۶	مثل بوته گل چون مردسالاری دیگر وجود ندارد			
۷	مثل اکسیژن چون تحصیلات بالاتر می رود			
۸	جاده چهار بانده است			
۹	روابط ما نسبت به یکدیگر گرم و خوب بود			
۱۰	برابری وجود داشت	برابری	تفاهم	
۱۱	با یکدیگر احترام و با تفاهم می‌رسیدیم	احترام متقابل		
۱۲	احترام متقابل نسبت به همدیگر وجود داشت			
۱۳	با درک و تفاهم به آرامش می‌رسیدیم	آرامش رسیدن		
۱۴	زندگی بدون تفاهم با مشکل مواجه می گردد	عدم فروپاشی		
۱۵	در بروز احساسات کوتاهی نمی‌کردند	ابراز احساسات		
۱۶	با همدیگر صادق نبودند	عدم صداقت	فقدان سرمایه اجتماعی	تخیل مونولوگی
۱۷	برابری در بین آنها وجود نداشت	تبعیض		
۱۸	احترام متقابل نسبت به همدیگر وجود نداشت	عدم احترام متقابل		
۱۹	روابط ما نسبت به یکدیگر گرم و خوب نبود	عدم صمیمیت		
۲۰	روابط ما به خاطر مشکلات مالی خوب نبود	مشکلات مالی	روابط نابرابر	
۲۱	همسرم حرف اول و آخر را می‌زد	یک سویه		

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۲۲	روابط ما مثل کارد و پنیر بود.			
۲۳	مثل حباب چون نسبت به همدیگر اعتماد ندارند			
۲۴	من با همسرم مهربان ولی او سرد و بی-عاطفه بود	سردی روابط	**روابط رسمی**	
۲۵	به علت عدم ابراز علاقانه روابط سرد بود			
۲۶	روابط نسبت به یکدیگر سرد و بی‌احساس بود			
۲۷	به خاطر شکاک‌بودن سرد و بی‌عاطفه بود			
۲۸	به خاطر عدم صداقت سرد بود			
۲۹	به دلیل خیانت‌کردن سرد بود			
۳۰	قدرت بیان برای ابراز احساسات نداشتن	عدم ابراز احساسات		
۳۱	در ابراز احساسات کوتاهی می‌کردند			
۳۲	مثل مرغ یک پا به خاطر اینکه زوجین باهم کنار نخواهند آمد			

۲. شرایط علّی

منظور از شرایط علّی، دلایل متعددی است که موجب شکل‌گیری مقولهٔ محوری یا ارتباط عقلانی در بین زوجین دچار تعارض نقش می‌شوند(کرسول، ۲۰۱۱). بر اساس تحلیل داده‌ها، شرایط علّی ۲۷ گزاره، ۲۱ مفهوم، ۱۰خرده‌مقوله و ۴ مقوله اصلی را شامل می شود (جدول ۳). یکی از این دلایل طرح‌واره‌های پدرسالاری و مردسالارانه است. بهناز ۴۲ ساله، می‌گوید:

"در زندگی سابقم تصمیم گیرنده اصلی همسرم بود بدون پرسیدن نظر من یا اگر هم نظرم را می‌پرسید اهمیتی نمیداد و باز آن تصمیمی که به نظرش درست بود را می‌گرفت و فکر می‌کرد که درست‌ترین تصمیم را گرفته است."

بخش عمده‌ای از مشکلات زوجین دلایل بدنمندی دارد. در این باره، دو عضو مهم بدن؛ یعنی گوش و زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. منظور از زبان مشکلات گفتگومندی و مهارتهای ارتباطی است و منظور از حس شنیداری فقدان گوش‌کردن است. دراین باره سعیده می‌گوید:

"تصمیم‌گیرندهٔ اصلی در خونهٔ ما شوهرم بود اوایل تلاش می‌کردم که قانعش کنم که گاهی اشتباه می‌کنه ولی وقتی با فحاشی‌ها و مقاومتش روبه‌رو شدم تصمیم گرفتم برای حفظ آرامش زندگی دیگر باهاش بحث نکنم."

در کنار آن فقدان ابراز احساسات، و عدم درک متقابل است که می‌توان از آن به ضعف تخیل همدلانه یاد کرد. مجید۴۵ ساله می‌گوید:

"خب چیزی که من بین خانواده‌ها می‌بینم با اینکه خودم مرد هستم باید بگویم که ابراز احساسات از طرف مردان کم است. از طرفی وقتی بحثی پیش می‌آید احترام متقابل کلاً بی‌معنی می‌شود و زوجین از روی عصبانیت به هم بی‌احترامی و توهین می کنند. از نظر برابری هم هیچ چیز برابر نیست خانم‌ها خیلی وقت‌ها اشتباه می‌کنند ما نادیده می‌گیریم و اگر ما در حد همان اشتباه را مرتکب شویم، خانم‌ها اصلاً آن را نادیده نمی‌گیرند."

همچنین، عوامل فردی از قبیل خودبزرگ‌بینی، عدم بلوغ عاطفی و روابط فرازناشویی در کنش ارتباطی زوجین سهم عمده‌ای دارند.

جدول ۳. شرایط علی ضعف عقلانیت ارتباطی در بین زوجین

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	همسرم خودخواه است	خودرای بودن	روابط مبتنی بر سلطه	**تفکر پدرسالاری**
۲	زوجینی که نگاه زورگویانه داشته باشند	منطقی نبودن		
۳	شوهرم نگاه مردسالارانه داشت	مردسالارانه		
۴	می‌خواستم همسرم تمام و کمال به حرف و ایده‌هام رو قبول کنه	عدم توجه به استقلال همسر		
۵	او در گفت وگو مشکل داشت	فقدان صحبت کردن	عدم مهارت گفتگو	
۶	همسرم در بیان خواسته خود عاجز بود			
۷	افرادی‌که که به یکدیگر احترام متقابل نگذارند	عدم احترام متقابل		
۸	زوج‌هایی‌که که از موضع خود کوتاه نمی آیند	انتقادپذیر نبودن	عدم انتقادپذیری	**عدم انعطاف پذیری**
۹	همسرم انتقادپذیر نبود			
۱۰	او به نظرات من اهمیت نمی‌داد	عدم توجه به دیگران		

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱۱	همسرم گرایش به خشونت داشت	گرایش به خشونت	پایین بودن آستانه تحمل	
۱۲	افرادیکه که با همسرشان مهربانه صحبت نمی‌کنند			
۱۳	همسرم آرامش خود را در زمان اختلاف حفظ نمی‌کند			
۱۴	او بیشتر توهین می‌کند	اهانت کردن		
۱۵	همسرم در ابراز احساسات عاشقانه نسبت به من مشکل دارد	ابراز احساسات نداشتن	عدم ابراز احساسات	**عدم درک همدلانه**
۱۶	نباید احساسات را از یکدیگر پنهان کنند	پنهان کردن		
۱۷	زوج‌هایی که از یکدیگر شناخت کافی ندارند	عدم شناخت کافی	عدم درک متقابل	
۱۸	همسرم از من فاصله دارد	فاصله گرفتن		
۱۹	از تشابه افکار برخوردار نباشند	تشابه افکار نداشتن		
۲۰	زوج هایی‌که که کارهایی انجام می دهند و می‌دانند که طرف مقابل دوست ندارد	عدم همدلی		
۲۱	لج بازی نکنند			
۲۲	عدم شناخت متقابل قبل از ازدواج	عدم آشنایی قبل از ازدواج	فقدان آشنایی قبل از ازدواج	
۲۳	او دارای غرور کاذب بود	غرور داشتن	توهم	**خودبزرگ بینی**
۲۴	زوجینی که زبان باز هستند و در عمل صفر هستند	عمل گرا نبودن		
۲۵	مشکلات رابطه جنسی	مشکلات جنسی	**خیانت**	**روابط فرازناشویی**
۲۶	زوج‌هایی که به همدیگر خیانت می‌کنند			
۲۷	زوج‌هایی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند	ازدواج در سنین پایین	ازدواج زودرس	**عدم بلوغ عاطفی**

۳. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر ۷ گزاره، ۷ مفاهیم باز، ۳ خرده‌مقوله و ۲ مقولهٔ اصلی را شامل می شود (جدول ۴).

منظور از شرایط مداخله‌گر (میانجی) عوامل کلی هستند که بر انتخاب راهبردها توسط اعضای اجتماع تأثیر می‌گذارند(صفایی‌موحد، ۱۴۰۰). همچنین در عدم کارآمدی نهادهای سنتی (خانواده) و غیاب نهادهای مدرن رخ می‌دهد. این شرایط مرزی را می‌توان شرایط آنومیک خواند.

بنابراین در شرایط مداخله‌گر می‌توان به عواملی از قبیل خانوادهای دارای افکارسنتی و تفکر پدرسالاری، فقدان نهادهای مدرن از جمله مراکز مشاوره و عضویت شدید در گروه دوستان اشاره کرد که نقش به‌سزایی در ضعف عقلانیت ارتباطی در بین زوجین دارند.

زینب، ۲۷ ساله، از دخالت خانواده‌ها بر شکل‌گیری بی‌نظمی زندگی زوجین تأکید می‌کند و می‌گوید:

"گاهی بخاطر دخالت‌های نابجا از طرف والدین و دلسوزی‌های بی‌خودی، زوجین به جان همدیگر می‌افتن گاهی هم به خاطر وجود شرم و خجالت آنچه لازم است بدانند از هم پنهان می‌دارند."

منظور از شرایط مداخله گر (میانجی) شرایطی است که در عدم کارآمدی نهادهای سنتی (خانواده) و غیاب نهادهای مدرن رخ می دهد. این شرایط مرزی را می توان شرایط آنومیک خواند.

سعیده ۲۴ ساله از دخالت منفی اطرافیان و فقدان دخالت مثبت مشاوره‌ای می‌گوید:

"همسر من تحت تاثیر اطرافیان خیلی قرار می گیره و مشکل اصلی ما همین است. بسیار غرور دارد. برای همین تصمیم گرفتم از یک مشاوره خانواده کمک بگیرم ولی همسرم در این جلسات شرکت نکرد."

جدول ۴ : شرایط مداخله‌گر موانع عقلانیت ارتباطی در بین زوجین

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	همسرم افکار سنتی داشت	افکار سنتی	داشتن خانواده سنتی	**دخالت گروه‌های اولیه**
۲	مردانی که افکار پدرسالاری داشته باشند	پدرسالاری		
۳	والدین همسرم در زندگی ما مداخله می‌کرد	مداخله والدین		
۴	در جاهای کوچک بزرگ شده باشند	اقامت در جاهای کوچک		

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۵	دوستان ناباب	یار کجرو	عضویت شدید در گروه دوستان	
۶	او زیاد اهل دوست و رفیق بود	رفیق باز		
۷	عدم مراجعه به مراکز مشاوره	نبود مراکز مشاوره	فقدان نهادهای مدرن	**فقدان حضور نهادها ثانویه**

۴. شرایط زمینه‌ای

منظور از شرایط زمینه‌ای، دلایل و موانع گفت‌وگو و تخیل همدلانه در بین زوجین هستند. عوامل خاصی هستند که منبعث از پدیده محوری بوده و بر راهبردهای اتخاذشده تأثیر می‌گذارند(صفایی-موحد، ۱۴۰۰). براساس یافته‌های این پژوهش، شرایط زمینه‌ای دارای ۲۵ گزاره، ۲۱ مفاهیم، ۱۱ خرده‌مقوله و ۵ مقولهٔ اصلی است که جزییات آن در جدول ۵ مشاهده می‌گردد.

ضعف مالی، تعارض اجتماعی شدید، کاهش و اختلال در سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمینه بروز تعارض زناشویی را فراهم می‌کند. در این راستا طیبه ۳۱ساله بر این باور است:

"امروزه فضای مجازی جای صحبت‌کردن و گفتگو رو گرفته که خب وقتی شخص داخل فضای مجازی شروع به صحبت یا بحث یا هر چیزی با پارتنر خودش میکنه، ممکنه دچار سوتفاهمات و اشتباهات زیادی بشن. چون حس و لحن زوجین مشخص نمیشه. من فکر می‌کنم این‌ها موجب عدم گفت‌وگو زوجین هستند."

مجید ۳۷ ساله در تاثیر ضعف سرمایه اقتصادی و اجتماعی در فرایند گفتگو می‌گوید:

"عدم اعتماد به‌هم، مشکلات مالی، خیلی درگیر کار بودن، درگیر فضای مجازی و گوشی‌بودن، رفیق باز بودن، خیلی درگیر آرایشگاه و توجه خانم‌ها به ظاهر خود مانع گفتگواند."

زینب ۲۷ ساله بر عامل سرمایه فرهنگی تأکید می‌کند. او می گوید:

"به نظر من آنهایی که از نظر تحصیلی سواد کمتری دارند همیشه بجای گفتگو و صحبت‌های دوستانه سعی دارند نظر خودشان یا کارهایشان را پیش ببرند."

جدول ۵ . شرایط زمینه‌ای موانع عقلانیت ارتباطی(گفتگوی) زوجین

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	درآمدمون پایین بود	در آمد پایین	مشکلات اقتصادی	**کمبود سرمایه اقتصادی**
۲	شغل درجه پایین موجب مقاومت در گفت وگو می گردد	مشاغل پایین		
۳	او کنترل مالی نداشت	محاسبه پذیر نبودن		
۴	بیشتر وابسته باشند	وابسته بودن	عدم استقلال مالی	
۵	بیشتر خانه‌دار باشند	خانه دار بودن		
۶	او تحصیلات پایین داشت	تحصیلات پایین	فقر آموزشی	**کاهش سرمایه فرهنگی**
۷	او برای رابطه خوب از آموزش مناسب برخوردار نبود	فقدان آموزش		
۸	همسرم به من اعتماد نداشت	عدم اعتماد متقابل	عدم اعتماد متقابل	**سرمایه اجتماعی پایین**
۹	او اعتماد به نفس کاذب داشت	عدم اعتماد به نفس واقعی		
۱۰	زوج‌هایی که شکاک هستند	شکاک بودن		
۱۱	باید درزندگی صداقت داشته باشند	صادق نبودن	فقدان صداقت	
۱۲	باید دروغ نگویند	دروغ نگفتن		
۱۳	او به بلوغ عاطفی و فکری نرسیده بود	بلوغ عاطفی وفکری نرسیدن	عدم بلوغ عاطفی و فکری	
۱۴	نباید مسایل را از یکدیگر پنهان کنند	پنهان کاری کردن		
۱۵	زوج‌هایی که به برابری اعتقادی ندارند	عدم برابری	تبعیض	**تعارض اجتماعی**
۱۶	او زندگی ما را با دیگران مقایسه می‌کرد	مقایسه		
۱۷	زوجینی که اگر حرف یکدیگر را قبول نداشته باشن همان لحظهئ گارد می‌گیرند و نارضایتی خود را اعلام می کنند	عدم تساهل	تضاد	
۱۸	همسرم به جای تاکید بر نقطه نظرهای مشترک بر اختلاف نظرها تاکید میکند	مشاجره		

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱۹	او هر موضوع کوچکی را تبدیل به دعوا و بحث می کرد			
۲۰	زوج‌هایی که به فضای مجازی گرایش بی-رویه‌ای دارند	فضای مجازی	سوء مصرف رسانه‌ای	**جامعه پذیری متفاوت**
۲۱	افرادی‌که که از دو فرهنگ متفاوت باشند	تفاوت فرهنگی	فرهنگهای متفاوت	
۲۲	زوج‌هایی که تربیت خانوادگی مشابه‌ای ندارند			
۲۳	دعوا درخصوص اقامت در محل زندگی			
۲۴	عقاید و نظریاتمون زمین تا آسمون فرق داشت.			
۲۵	او اعتیاد داشت	اعتیاد داشتن	عدم رعایت قواعد اجتماعی	

۵. راهبردها

منظور از راهبردها کنش‌هایی است که جامعه در مقابل پدیدهٔ محوری از خود بروز می‌دهد (کرسول، ۲۰۱۱). در بخش راهبردها برمبنای تجربهٔ زیستهٔ مشارکت‌کنندگان ۵۰ گزاره، ۳۴ مفهوم، ۱۲ خرده‌مقوله و ۴ مقوله اصلی استخراج گردید که نتایج آن به تفصیل در جدول ۶ اشاره شده است.استراتژی و راهبردهای مصاحبه‌شوندگان را می‌توان به شکل انضمامی در چهار مقوله اصلی تحت عنوان اصل کمیت و اصل کیفیت، اصل سازش و اصل مقاومت در گفتگو تلخیص نمود. در اصل کمیت بر زمان، مکان و کفایت گفتگو استوار است که در آن مصاحبه‌شوندگان ضمن رعایت زمان و مکان گفتگو، نه کاهش(قهر) بلکه افزایش دامنه صحبت و گفتگو در بین زوجین تأکید داشتند. در مقولهٔ اصلی کیفیت، مشارکت‌کنندگان بر مقوله‌های راهبردی از قبیل درک متقابل، بخشش، گذشت، ابراز احساسات، صمیمیت، صداقت، داشتن ذهن باز، گوش دادن، احترام متقابل، موضع برابر، پرهیز از شتاب و استفاده از مداخلات اجتماعی در افزایش عقلانیت ارتباطی زوجین اشاره نموده‌اند.

فاطیما ۳۵ ساله بر مقوله‌های کیفی در گفتگو اشاره می‌کند و می‌گوید:

"سعی می کنیم که به هم احترام بگذاریم، صادق باشیم، همدیگر را کامل کنیم اون هم تا آنجایی که میتواند برای زندگی مان وقت میگذارد و نهایت تلاش را برای خوشبختی‌مان می کند."

نسترن ۳۵ ساله بدلیل نقش مادری علیرغم خشونت جنسیتی بر استراتژی سازش در تداوم زندگی تأکید می‌کند:

"من به خاطر بچه‌ام خیلی سعی می کردم کوتاه بیایم تا مشکل بیشتری پیش نیاید حتی به مشاور مراجعه کردم تا کمکم کنه بتونم زندگیمو حفظ کنم."

سمانه ۳۰ ساله ابتدا از راهبرد گفتگو و سپس از استراتژی مقاومت استفاده کرده است. او می‌گوید:

"ابتدا با ملایمت حرف می زدم و یا حتی عذرخواهی می کردم ولی اخیرا این ساز و کار جوابگو نیست و به فکر طلاق افتاده‌ام."

جدول ۶. راهبردهای زوجین برای افزایش عقلانیت ارتباطی

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	سعی می‌کنم بیشتر گفت وگو نماییم	گفتگو کردن	کفایت گفت وگو	اصل کمیت
۲	نگذاریم بحث و قهرمان بیش از مدتی طولانی شود	عدم‌طولانی-شدن قهر		
۳	برخی روزها را با همدیگر سپری کنیم	بودن در کنار همدیگر		
۴	کاهش استفاده از فضای مجازی			
۵	صحبت خود را با کلام مثبت شروع کنیم	آغاز گفتگو	رعایت زمان گفتگو	
۶	بحث را به زمان دیگر که آرام است موکول می‌کنیم	موکول‌کردن بحث به آینده		
۷	وقتی حالم خوب نیست همسرم باهام صحبت می‌کنه میگم که عزیزم میشه بعد از شام در موردش حرف بزنیم			
۸	دختر و همسرم را زیاد بیرون می بردم تا به آنها خوش بگذرد و حس خوبی داشته باشند	جابجایی تنش	رعایت مکان گفتگو	
۹	در یک محیطی آرام و بدون تنش به گفتگو بپردازند	محیط آرام		

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱۰	زمان و مکانی را انتخاب کنید ک به شما احساس آرامش بدهد	انتخاب مکان گفتگو		
۱۱	تلاش می‌کنم خود را جای آن قرار دهم	همدردی	درک متقابل	اصل کیفیت
۱۲	سعی می‌کنیم به درک مشترک اهمیت دهیم	درک مشترک		
۱۳	با تفاوت ها کنار بیاییم			
۱۴	مطابق با سلیقه‌های همسرم رفتار می‌کنم	به سلیقه همسر اهمیت دادن		
۱۵	سعی شود در مورد مسائلی که همسر حساس است صحبت نشود	رعایت حساسیت همسر		
۱۶	زمانی هم که دچار اختلاف نظر میشن، با ملایمت و با احتیاط با هم صحبت کنن تا دلخوری پیش نیاد			
۱۷	حرفاشون رو بهم بزنن و توی دلشون نگه ندارن	صحبت کردن	ابراز احساسات	
۱۸	از طریق بگو بخند	بگو و بخند		
۱۹	بیشتر عذرخواهی میکنم	عذرخواهی کردن	بخشش	
۲۰	برای یکدیگر هدیه می گیریم	هدیه گرفتن		
	سعی می کنم بیشتر گذشت داشته باشم	گذشت	گذشت	
۲۲	همسرم وقتی خطایی از من می بینه بزرگش نمی‌کنه	عدم بزرگ-نمایی		
۲۳	کوشش می‌کنیم رابطه ما بیشتر دوستانه و صمیمی باشد	رابطه دوستانه	صمیمیت	
۲۴	به هم عشق بورزند	عشق ورزیدن		
۲۵	با هم صادق بودن را جدی می‌گیریم	جدیت در صداقت	صداقت	
۲۶	با همدیگر صادق باشیم	صداقت باهمدیگر		

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۲۷	سعی می‌کنم بیشر انعطاف‌پذیر باشم	انعطاف‌پذیری	داشتن ذهن باز و آمادگی پذیرش	
۲۸	باملایمت صحبت می‌کنم	صحبت ملایم		
	همسرم سعی می کند در مسائلی که با آن مخالف است کمتر گارد بگیرد	مدارا کردن		
۳۰	باید توان انتقادپذیری را بالا برد	انتقادپذیری		
۳۱	هرکس دیگری را پایین‌تر از خودش ندونند	عدم تبعیض	موضع برابر	
۳۲	سعی می کنم وقتی در حال انجام کاری هستم و همسرم صحبت می‌کنه کار را رها کنم	گوش‌دادن به حرفهای همسر	گوش فرادادن به هنگام شنیدن	
۳۳	به صحبت های همسر خوب گوش و بعد در پیرامون آن صحبت میکنم	التفات به همسر		
	احترام متقابل را فراموش نمی‌کنم	رعایت حرمت دیگران	احترام متقابل	
۳۵	احترام متقابل را رعایت کنیم	رعایت احترام		
۳۶	پیشنهاد مشاوره می دهم	پیشنهاد مشاوره	استفاده از میانجی یا مداخلات اجتماعی	
۳۷	من تصمیم گرفتم از یک مشاوره خانواده کمک بگیرم			
۳۸	باید مشورت کرد	مشورت		
۳۹	توجه بیشتری به فرزندان نمایم	توجه به فرزندان نمودن		
۴۰	سعی می‌کنم فرزندان را بیشتر در تصمیم-گیری مشارکت دهم	مشارکت فرزندان درتصمیم‌گیری		
۴۱	از خانواده ام کمک گرفتم که چه کار هایی باید انجام دهم تا رابطه ام با او را درست کنم	کمک گرفتن از خانواده		
۴۲	با همدیگر با آرامش حرف بزنیم	با آرامش صحبت کردن	پرهیز از شتاب	

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۴۳	سعی می‌کنیم آرامش در زندگی وجود داشته باشد	حفظ آرامش		
۴۴	سعی می‌کردم سکوت نمایم	سکوت کردن	تحمل	اصل سازش
۴۵	زمانی که عصبی می شود سکوت کنم تا بحث ادامه پیدا نکند			
۴۶	اگر فکر این زمانم رو داشتم حتما یه فکر اساسی میکردم تا پسرم اینقدر آسیب نمیدید			
۴۷	سفره دل پیش هر کسی باز نکنیم که بیشتر بر روی زخم نمک بپاشد	دم‌فروبستن		
۴۸	سعی می‌کنم از موضع خود کوتاه بیام	کوتاه آمدن		
۴۹	اخیرا این ساز و کار جوابگو نیست و به فکر طلاق افتاده ام.	فکر طلاق	متارکه	اصل مقاومت
۵۰	همسرم باعث شده بود هر لحظه بیشتر به تصمیم برای طلاق مصمم باشم.	تصمیم طلاق		

۶. پیامدهای ضعف عقلانیت ارتباطی

منظور از پیامدها، نتایج قصدشده یا قصدناشدهٔ حاصل از به‌کارگیری و اتخاذ راهبردها هستند (کرسول، ۲۰۱۱). یافته‌های این پژوهش، درخصوص پیامدها حاکی از ۱۵ گزاره، ۱۳ مفهوم، ۷ خرده‌مقوله و ۳ مقولهٔ اصلی است که نتایج آن در جدول ۷ منعکس شده است.

علاوه بر دلایل ضعف عقلانیت ارتباطی، تبیین‌های کارکردی نیز فقدان گفتگو و تخیل ارتباطی موجب سردی در روابط، انزجار، بی اعتنایی، فاصله گرفتن، برای یکدیگر اهمیت قائل‌نشدن، پرخاشگری و از دست‌رفتن حس همدردی شود که خانواده با آن معنا و هویت پیدا می‌کند و از گروه ثانویه متمایز می‌گردد. همچنین می‌تواند موجب نارضایتی و درک نکردن یکدیگر، دوست نداشتن، دروغ گفتن، عدم احترام متقابل، عدم مهارت های ارتباطی - اجتماعی و کشمکش شود همه این موارد می تواتد موجب تضعیف استحکام نهاد خانواده ودر سطح بالاتر موجب کژکارکرد برای جامعه گردد.

بهناز ۴۲ ساله از فاصله اجتماعی ضعف عقلانیت ارتباطی بین خود و همسر و اثرات آن بر فرزندش چنین می‌گوید:

"باعث این شده بود که از همدیگه یه حس انزجار داشته باشیم و نتونیم با آرامش درباره مشکلاتمون حرف بزنیم حتی یکی از آسیب‌هایی که این مشکلاتمون داشت این بود که باعث افسردگی و پرخاشگری پسرم شده بود و نمیتونستیم اون رو کنترل کنیم و یکجورایی از خانه فراری بود چون در خانه آرامشی نداشت."

فهیمه ۳۰ ساله براین باور است که ضعف گفتگو و عقلانیت ارتباطی سبب فرسایش سرمایه اجتماعی زوجین می‌شود. او می گوید:

"به نظرم با گذر زمان، اون حس احترام گذاشتن به هم از بین میره و دیگه هر دو نفر سعی می کنند که مشکلات خودشون رو در خفا و بین خود حل کنند و حتی در جمع هم به هم بی‌احترامی می کنند، و با هم با پرخاشگری صحبت می‌کنن و سر هیچ مسئله‌ای به توافق نمیرسن. چون می خوان غرور خودشون رو حفظ کنن و به هم نشون بدهند که قدرت کی بیشتر هست."

جدول۷. پیامدهای ضعف عقلانیت ارتباطی در بین زوجین دچار تعارض

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	سردی روابط مون نسبت به همدیگر شده است	احساس سردی کردن	بی‌توجهی	**سردی روابط**
۲	روابط‌شان با همدیگر سرد می‌باشد			
۳	موجب دوری از همدیگر شد	فاصله گرفتن		
۴	موجب احساس دوست نداشتن از همدیگر شده است	دوست نداشتن		
۵	موجب اهمیت ندادن به همدیگر شده بود	اهمیت ندادن	بی‌تفاوتی	
۶	موجب بی اعتنایی نسبت به همدیگر می‌گردد	بی‌اعتنایی کردن		
۷	موجب عدم احترام متقابل نسبت به یکدیگر شده است	عدم احترام متقابل	از دست دادن همدلی	**فرسایش سرمایه اجتماعی**
۸	موجب از بین رفتن حرمت‌ها شده بود			

ردیف	داده	مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۹	موجب دروغ گفتن نسبت به همدیگر شده است	نبود صداقت		
۱۰	موجب عدم درک متقابل شد	عدم درک متقابل	عدم تفاهم	
۱۱	موجب احساس همدری نکردن می‌گردد	عدم همدردی		
۱۲	موجب نارضایتی شد	نارضایتی کردن	تعارض‌های خانوادگی	**فروپاشی خانوادگی**
۱۳	موجب کشمکش و منازعه شده بود	کشمکش کردن		
۱۴	باعث افسردگی و پرخاشگری پسرم شده بود	اذیت فرزندان	مشکلات روانی فرزندان	
۱۵	موجب خیانت کردن نسبت به همدیگر می‌گردد	خیانت کردن	خیانت	

به‌طورکلی، برمبنای تجربهٔ زیسته مصاحبه‌شوندگان آنچه در مناسبات زوجین می‌توان مشاهده کرد پرابلماتیک بودن عقلانیت ارتباطی است که فقدان صداقت و صمیمیت در کلام آرمانی هابرماس اساس کنش ارتباطی محسوب می‌شود. در این مطالعه باتأمل در انواع داده‌ها، مفاهیم، گزاره‌ها و موضوع این پژوهش می‌توان کلیه مشکلات زوجین را در مفهوم مرکزی(هسته) وجود عقلانیت ابزاری در بین زوجین تقلیل داد. بدین‌معنا، زوجین به‌جای تخیل مکالمه‌ای در معنای باختینی دارای روابط «من-آن» هستند که مونولوگ در غیاب دیالوگ بر روابط زوجین حاکم است. با توجه به‌نوع معرفت‌شناسی حاکم بر تحقیقات کیفی دلایل نظری ضعف کنش و عقلانیت ارتباطی به صورت نمودار (۱) می‌توان ارایه کرد. توضیح روابط بین مقوله‌های تحقیق به شکل علت و معلولی همانند تحقیقات پوزیتیویستی یا کمّی نیست، بلکه مدل مزبور صرفاً یک دریافت نظری بوده و خصلت قطعی یا تعمیمی ندارد. این مدل استعاره‌ای از مشکلات عقلانیت ارتباطی را عینیت‌ساری می‌نماید.

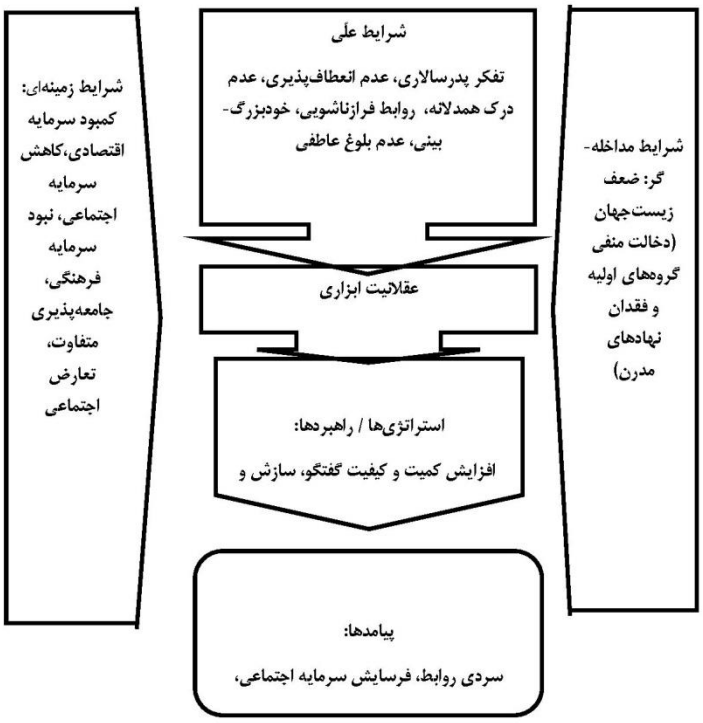

نمودار (۱): مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طورکلی خانواده ایرانی از موقعیت و تخیل پدرسالاری عبور کرده ولی موقعیت و تخیل پساپدرسالاری نیز دست نیافته است(قانعی‌راد، ۱۳۹۶). خانواده پساپدرسالاری در یک موقعیت مرزی و دارای تخیل شهودی و همدلانه است. این ساخت خانواده در جامعه ایرانی و گیلانی با مشکلات مهمی مواجه است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در جامعهٔ مورد مطالعه دو نوع تخیل در روابط زوجین حاکم است. تخیل مونولوگ و تخیل دیالوگ. اغلب مصاحبه‌شوندگان برمبنای تجربهٔ زیستهٔ آنان در سطوح ذهنی و عینی تأکید کرده‌اند که مناسبات خانوادگی و زناشویی زوجین بر سلطه و جدل(مونولوگ) استوار است. مناسبات زوجین در خانواده‌های مزبور، خصلت تک‌صدایی و مردانه دارد و روابط قدرت نامتقارن است. مکالمه در خانواده‌های مزبور بر مبنای دیدگاه میخائیل باختین(۱۹۸۱) از طریق «خود» و «دیگری» صورت می‌گیرد و به‌زعم

مارتین بوبر(۱۳۹۸) رابطه زوجین به جای رابطهٔ «من-تو»، «من-آن» است. این خانواده‌ها با خلأ رابطه صمیمانه و گفتگومندی مواجه‌اند و رابطه زوجین به جای گفتگو و کنش ارتباطی، ابزاری است. برعکس در رابطهٔ مبتنی بر گفتگو و دیالوژیسم زوجی، امر بدنمندی از قبیل زبان(مهارت‌های گفتگو)، گوش(شنیدن) و احساسات آدمی(ابراز احساسات) اهمیت زیادی در برقراری کنش ارتباطی دارد. این امر با یافته‌های تحقیق داخلی از قبیل چرستانی(۱۴۰۰) و یعقوبی و سیف(۱۴۰۲) در شهر رشت و تحقیقات خارجی مانند پژوهش رودریگرز و همکاران(۲۰۲۰) و اونال و اکگون(۲۰۲۰) همسویی دارد.

برمبنای یافته‌های این تحقیق، شرایط علّی از قبیل تفکر پدرسالاری(عدم توانایی گوش دادن و مهارتهای گفتگو)، پایین بودن انعطاف‌پذیری یا انتقادپذیری و ضعف درک همدلانه تفکر پدرسالاری، خودبزرگ‌بینی، عدم بلوغ عاطفی و روابط فرازناشویی نقش مهمی در فرایند عقلانیت ارتباطی زوجین دارند. این امر تداعی‌گر ارتباط تحریف‌شده به معنای هابرماسی است(هابرماس، ۱۳۸۴). هابرماس این سنخ از ابهامات ارتباطی را «تحریف تصادفی» تلقی می‌کند. هرچند برخلاف «تحریف سیستماتیک» با گفتگو قابل حل است، ولی این روابط تصنعی است و تعامل اجتماعی را با اختلال مواجه می‌کند. این امر با پژوهش انصاری و همکاران (۱۳۹۶) ، هاتفی‌راد و همکاران(۱۴۰۱) و یعقوبی و سیف(۱۴۰۲) نیز همسویی دارد.

علاوه‌بر شرایط علّی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شرایط زمینه‌ای از قبیل کمبود سرمایه اقتصادی، کاهش سرمایه اجتماعی، نبود سرمایه فرهنگی، جامعه‌پذیری متفاوت، جامعه‌پذیری متفاوت و تعارض اجتماعی در عقلانیت ارتباطی مؤثر است. منظور از شرایط زمینه‌ای شرایط پیشینی است که منجر به کاهش عقلانیت ارتباطی می‌شود.

براساس یافته‌های این تحقیق، شرایط مداخله‌گر یا فرایندهای اجتماعی نیز به عنوان حلقهٔ واسط در افزایش اختلافات زوجین مؤثر است. دراین باره، نتایج نشان می‌دهد که ضعف مداخلات سنتی و گاه دخالت‌های نامناسب و فقدان نهادهای مدرن مربوطه از قبیل مراکز مشاوره نیز در فرایند عقلانیت ارتباطی نقش عمده‌ای دارند. بنابراین در معنای هابرماسی ضعف زیست‌جهان‌های سنتی و مدرن موجب کاهش ارتباط عاطفی و صمیمی در افراد می‌گردد. کاهش عقلانیت ارتباطی و تضعیف زنانه‌شدن روابط زناشویی منجر به تخیل سنتی و مردانه در خانواده‌ها و روابط زناشویی می‌گردد و در تداوم آن منجر به سردی روابط، عدم احترام متقابل، عدم درک متقابل، بی‌اعتنایی، عدم رضایت و خیانت می‌شود. ضعف کنش ارتباطی رابطهٔ دوسویه دارد. هم علت است و هم معلول؛

زیرا مصاحبه‌شوندگان راه برون‌رفت از آن را بازگشت به عقلانیت ارتباطی و تخیل همدلانه و زنانه می‌دانند. به‌جای رابطه عمودی، رابطه افقی و شبکه‌ای را می‌طلبد که روابط نامتقارن(مردانه) مبتنی بر قدرت به روابط متقارن و مبتنی بر اقتدار تبدیل می‌شود و زوجین از استراتژی‌هایی از قبیل کمیّت گفتگو (افزایش، توجه به زمان و مکان گفتگو) و کیفیّت گفتگو (درک متقابل، بخشش، گذشت، ابراز احساسات، صمیمیت، صداقت، داشتن ذهن باز، گوش‌دادن، احترام متقابل، موضع برابر، پرهیز از شتاب و ..) در جهت توازن قدرت استفاده می‌کنند که اغلب از لوازم کنش ارتباطی در معنای هابرماسی(۱۳۸۴) به شمار می‌آیند و مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره کرده‌اند. در کنار استراتژی‌های مزبور برخی نیز از راهبرد سازش و مقاومت در برابر همسر استفاده کرده‌اند. هسته اصلی مشکلات زوجین را می‌توان وجود «عقلانیت ابزاری» و ضعف رابطهٔ «من- تو» در بین زوجین جستجو کرد که در آن زوجین به جای ارتباط تحریف‌نشده یا«من-تو»، بیشتر به ارتباط تحریف‌شده مبتنی بر زور و فقدان استدلال برتر و رابطهٔ «من-آن» سوق پیدا کرده‌اند.

از آنجاکه بخش عمدهٔ مشکلات زوجین مورد مطالعه صبغهٔ عاطفی و فرهنگی دارد و هسته اصلی مسایل مزبور را می‌توان در «عقلانیت ابزاری» جستجو کرد؛ بدین‌ترتیب برای حل تعارضات زندگی زوجین اقداماتی از قبیل، برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های گفت‌وگومحور، مهارت‌های زندگی و آموزش خانواده در خانواده‌های آسیب‌پذیر موجب تحکیم زندگی خانوادگی، جلب سرمایهٔ عاطفی و افزایش عقلانیت ارتباطی و بسط تفکر همدلانه خواهد شد. هم چنین استفاده از مداخلات صحیح خانوادگی سنتی و مدرن به مثابهٔ زیست‌جهان‌ها، در افزایش عقلانیت ارتباطی سهم به‌سزایی خواهند داشت. از آنجایی‌که طبقات پایین جامعه از سرمایه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی پایین تری برخوردارند و پیوند اجتماعی خانوادگی ضعیف‌تری نیز دارند؛ بنابراین اقدامات و سیاست‌های رفاهی بیشتر برای این افراد ضروری است.

منابع

استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ترجمهٔ ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.

انصاری، حوریه و گلشیری، پرستو (۱۳۹۶). «تاثیر مهارت‌های ارتباطی زنان بر خشونت خانوادگی از سوی همسران در شهر لنجان». *مجلهٔ دانشکده پزشکی اصفهان*، دوره سی و پنج ، شماره، ۴۴۴: ۱۰۸۷-۱۰۸۰.

بوبر، مارتین (۱۳۹۸الف). *من و تو*. ترجمهٔ ابوتراب سهراب. تهران: انتشارات فرزان روز.

بوبر، مارتین (۱۳۹۸ب). *کسوف خداوند*. ترجمهٔ ابوتراب سهراب و عباس کاشف. تهران: انتشارات فرزان روز.

تودروف، تزوتان(۱۳۹۶). *منطق گفتگویی میخائیل باختین*. ترجمهٔ داریوش کریمی. تهران: نشر مرکز.

،چرستانی، نفیسه(۱۴۰۰). « شناسایی ابعاد گفتگوی پایدار مؤثر زوجین در خانواده‌های ایرانی». *مجله نخبگان علوم و مهندسی*، دوره ششم، شماره ۴: ۱۶-۴۲.

ژنت، ژرار(۱۳۹۲). *تخیّل و بیان*. ترجمهٔ الله‌شکر اسداللهی. تجرق، تهران: سخن.

دادگستری استان گیلان. (۱۳۹۸). *گزارش مسایل استان گیلان*. رشت: معاونت اجتماعی استانداری گیلان

صفایی‌موحد، سعید (۱۴۰۰). *گراند تئوری(نظریهٔ داده‌بنیاد)*. تهران: نشر دوران.

قانعی‌راد، محمدامین (۱۳۹۶). *زوال پدرسالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانوادهٔ مدنی*. تهران: نشر نقد فرهنگ.

کوفمن، ویلیام (۱۳۸۸). *آیا مواجهه باخدا ممکن است؟*. ترجمه مرتضی کریمی. دو فصلنامه هفت آسمان، دوره یازدهم، -۱۶۷

مقصودی، منیژه و رحمانی، جبار(۱۳۹۰). «طرح روش‌شناسی گفتگو در مطالعات فرهنگی». *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره، ۴ ۱۵۲-۱۳۲.

ملایی، محمدحسن، اسماعیلی، معصومه و ملایی، رحیم (۱۳۹۷). «مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوجهای متعارض. رویکردی مبتنی بر نظریه داده بنیاد»، *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، دوره سیزدهم، شماره، ۴۴: ۲۷-۶۵.

مهدوی، محمدصادق و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۲). «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده»، *مطالعات روان شناختی زنان*، دوره اول، شماره، ۲ ۶۸-۲۷.

مهرگان، امید (۱۳۸۰). «مارتین بوبر و فلسفه دیالوگ» . *نشریه کتاب ماه*، دوره اول. شماره ۴۹: ۷۷-۷۰.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی*. ترجمه کمال‌پولادی. تهران: انتشارات مرکز.

هاتفی‌راد، لیدا، پارسامهر، مهربان و روحانی، علی (۱۴۰۱). « برساخت گفت‌وگو میان زوجین یزدی به سوی یک نظریه زمینه‌ای»، *مجلهٔ رفاه اجتماعی*، دوره بیست و دوم، شماره، ۸۴ ۱۱۱ -۱۴۸.

یعقوبی، علی و همکاران(۱۳۹۸). «بررسی رابطه سبک زندگی و گرایش به طلاق توافقی در بین شهروندان شهر رشت»، *فصلنامه نهادهای اجتماعی دانشگاه مازندران*، دوره ششم، شماره ،۱۴ ۱۲۱-۱۴۸.

یعقوبی، علی و همکاران(۱۴۰۰). «تجربهٔ صمیمیت در موقعیت قرنطینگی (مورد مطالعه خانواده‌های استان گیلان)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پانزدهم ، شماره،۳ ۱۲۵-۱۰۱.

یعقوبی، علی و سیف، حسین(۱۴۰۲). «خانوادهٔ مدنی از آرمان تا واقعیت(مورد مطالعه: خانواده‌های شهر رشت)». *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران* دورهٔ چهاردهم، شماره ۲: ۳۷۱-۳۹۸.

Bauman, Z. (2003). *Liquid Love*. Oxford: Polity Press.
Bauman, Z. (2005). *Liquid Life*. Cambridge: Polity Press.
Bourdieu, P. (2001). *Masculine Domination*. Cambridge: Polity Press.
Connell, R.W. (20۰0). *Masculinities*. 2nd Edition, California :University of Press. Berkeley.
Connell. R. W .(1987) .*Gender and Power Society, the Person, and Sexual Politics*: Stanford University Press.
Creswell, J. (2018). *Educational Research:Planing, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*. We5sstlake Village, Merrill Education. Durkheim, E .(1960). *The Division of Labor in Society*. Translated by George Simpson, New York: Noble offset.
Friedman, M. (2001). "Martin Buber and Mikhael Bakhtin :The Dialogue of Voices and The Word That Is Spoken. Studies in 20th Century Literature", *Notre Dame English Journal*, 33(3): 25-36.
Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy.* Stanford: Stanford University Press.
Kent, M. (2017). "Principle of Dialogue and The History of Dialogue Theory in Public Relation". In book*: Prospect of Public Relations Science.* Beijing: Peking University Press .1-51
Koerner, A. F; & Fitzpatrick, M.A. (1997). "Family Type and Conflict: The Impact of Conversation Orientation and Conformity Orientation on Conflict in the Family." *Communication Studie*s,48(1): 59-75.
Mabovula, N. (2010). " Revisiting Jürgen Habermas's Notion of Communicative Action and its Relevance for South African School governance: Can it Succeed?", *South African Journal of Education*, 30(1):1-12.
Macmillan, P. (1999). *The Concept of Dialogue.Towerd a DialogueTheory*, London: Puplisher
Meredith ,W. H. Abbott. D. A. Tsal, R. and Ming, Z, F..(1994). "Healthy family functioning in Chinese cultures: An exploratory study using the Circumplex Model". *International Journal of Sociology of the Family* 24(1): 147-157.
Olson, M. Seikkula, J. Ziedonis, D (2014). "The Key Element of Dialogic Practice in open Dialogue. " Fedility Criteria. USA, University of Massachusetts Medical School. http://umassmed.edu/psychiatry/globalinitiatives/opendialogue/1-33.
Outhwaite, W.(2009). *Habermas a Critical Introduction*. USA: Stanford University Press.
Roberts, J. (2012). "Discourse or Dialogue? Habermas, the Bakhtin Circle, and the question of Concrete Utterances".*Theory and Society*,41(4): 395-419.
Rodríguez-González, M. Lampis J. L. Murdock, N. & Schweer-Collins, M.L.(2020). "Couple Adjustment and Differentiation of Self in the United States, Italy, and Spain". A Cross-Cultural Study, *Journal of Family Therapy*, 59(4): 1552-1568.
Sennett, R. (1993). *Authority*, USA, Philadelphia .The MIT Pres.
Spracklen, K. (2009). "Habermas and Communicative and Instrumental Rationality." In: The *Meaning and Purpose of Leisure*. Palgrave Macmillan, London. 31-51.
Strani, K.(2010). "Communicative Rationality and The Challenge of Systems Theory Research Output". Chapter in Book/Report/Conference Proceeding› Chapter (Peer-Reviewed). Oxford: Place of Publication.
Unal, O. & Akgun, S. (2020). "Conflict Resolution Styles as Predictors of Marital Adjusment and Marital Satisfaction". *Journal of Family Studies*.28(3):898-913.